

هُوَ اللهُ - ای عبد جمال قدم، منظوم

چون لثالی منشور...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



هُوَ اللهُ

ای عبد جمال قدم، منظوم چون لثالی منشور منظور گشت فصیح و بلیغ بود و بدیع و لطیف دلالت بر کمال محبت مینمود و بلسان فصیح مدح و ستایش جمال قدم بود. از این جهت نهایت مسرت رخ نمود و فی الحقیقه شایان ستایش و ثنا بود و اما آنچه تعلق باین عبد داشت این نه اوصاف من است. وصف اینعبد و نعت و محامد عبودیت آستان مقدس است. جز این سمتی نجویم و بغیر از این صفتی ندانم. درمان هر دردم بندگی درگاه الهی است و مرهم هر زخم عبودیت بارگاه غیر متناهی. ستایش باید موافق حقیقت و روش باشد و الا آزمایش است. شخص ممدوح در امتحان و افتتان افتد و معاذ الله از برای خویش قدر و شأنی بیند آنوقت باسفل نیران افتد. ما را نخر و مباحات باین است که بنده این درگاهیم و خاک آستان این بارگاه. اینست علویت آسمانی اینست منقبت رحمانی و اینست موهبت سبحانی. چرا از این موهبت چشم پوشیم و معاذ الله از برای خود مقامی گمان کنیم. ما که ایم ما چه ایم آنچه بوده و هست او است و آنچه فائز بر عالم وجود است اسماء و صفات حضرت دوست. پس تو در این گلستان چون بلبل بدیع الالحان شهنازی و آوازی در عبودیت آستان بهر این اسیر حرمان بر آرتا دل و جانم شادمان گردد و ضمیر و وجدانم کامران شود و السلام ع



ORIGINAL



AUDIO